

کتاب دانیال — شماره چهل و دو

روابط ارتباط

Jeff Pippenger

2024-01-06

یوحنا بپتسمه دینے والا ایک ربطی نبی تھا۔

«پیامبر یوحنا حلقہ پیوند میان دو دورہ تدبیر بود. او به عنوان نماینده خدا به صحنه آمد تا رابطه شریعت و انبیا را با دورہ تدبیر مسیحی آشکار سازد. او نور کوچکتر بود که میبایست نوری بزرگتر در پی آن بیاید. ذهن یوحنا به وسیله روح القدس روشن گردید تا بر قوم خود نور بتاباند؛ اما هیچ نور دیگری هرگز بر انسان سقوط کرده چنین روشن نتابیده است و هرگز نیز نخواهد تابید، جز آن نوری که از تعلیم و نمونه عیسی ساطع شد. مسیح و رسالت او، چنان که در قربانی های سایه وار به صورت نمادین پیش نمایانده شده بود، جز به گونه ای مبهم درک شده بود. حتی خود یوحنا نیز زندگی آینده جاودان را از طریق نجات دهنده به طور کامل دریافته بود.» The Desire of Ages, 220

یسوع بھی ایک مربوط کرنے والی کڑی کے نبی تھے۔

«مسیح راه را از زمین تا آسمان گشوده است. او حلقه پیوند میان این دو جهان را تشکیل می دهد. او محبت و فروتنی خدا را به انسان می آورد، و انسان را از طریق استحقاقات خویش بالا می برد تا با مصالحه خدا روبه رو شود. مسیح راه و راستی و حیات است. پیروی کردن، گام به گام، با رنج و کندی، به پیش و به بالا، در مسیر پاکی و قدوسیت، کاری دشوار است. اما مسیح برای آنکه در هر گام پیش رونده در حیات الهی، نیرویی تازه و قوتی الهی عطا کند، تدارکی کامل دیده است. این همان معرفت و تجربه ای است که همه کارکنان در دفتر بدان نیاز دارند و باید آن را داشته باشند، وگرنه هر روز بر آرمان مسیح عار می آورند.» شهادت ها، جلد 3، 193.

کار نبوتی یحیی تعمید دهنده شامل پیوند دادن تدبیر امر زمینی با حرم آسمانی بود. نخستین سخنانی که یحیی هنگامی که برای نخستین بار عیسی را دید بر زبان آورد، این بود:

روز بعد یوحنا نے یسوع کو اپنی طرف آتے دیکھا اور کہا، دیکھو، خدا کا برہ، جو دنیا کے گناہ کو اٹھا لے جاتا ہے۔ یوحنا 1:29.

لیکن اگرچہ یوحنا کو قدیم اسرائیل سے روحانی اسرائیل کی طرف منتقلی کی نشان دہی کرنی تھی، تاہم اس منتقلی کے بارے میں اُس کا فہم محدود تھا۔

مسیح، در دفاع از یوحنا، فرمود: «لیکن برای دیدن چه بیرون رفتید؟ آیا نبی ای؟ آری، به شما می گویم، بلکه برتر از نبی.» یوحنا نه تنها نبی ای بود تا وقایع آینده را پیشگویی کند، بلکه فرزند وعده بود، از بدو تولد از روح القدس پر شده بود، و از سوی خدا مأمور گردیده بود تا به عنوان مصلح، کاری خاص را به انجام رساند و قومی را برای پذیرش مسیح مهیا سازد. یوحنا نبی حلقه اتصال میان دو تدبیر بود.

«مذهب یهود، در نتیجه دوری ایشان از خدا، بیشتر در آیین ها و تشریفات خلاصه شده بود. یوحنا نور کوچکتر بود که میبایست نوری بزرگتر در پی آن بیاید. او میبایست اعتماد مردم را به سنت هایشان متزلزل سازد، و گناهانشان را به پادشان آورد، و ایشان را به توبه رهبری کند؛ تا برای درک ارزش کار مسیح آماده شوند. خدا به وسیله الهام با یوحنا سخن گفت و نبی را روشن ساخت

تا خرافات و تاریکی را از ذهن یهودیان صادق بزداید؛ همان خرافات و تاریکی‌ای که بر اثر تعالیم دروغین، در طول نسل‌ها، بر آنان انباشته شده بود.»

«حتی کمترین شاگردی که از عیسی پیروی می‌کرد، معجزات او را می‌دید، به درس‌های الهی تعلیم او گوش فرا می‌داد، و سخنان تسلی‌بخشی را که از لبانش جاری می‌شد می‌شنید، از یحیی تعمیددهنده برخوردار بود، زیرا او از نوری روشن‌تر بهره‌مند بود. هیچ نور دیگری بر عقل انسان گناهکار سقوط کرده نتابیده است و هرگز نیز نخواهد تابید، جز آن نوری که به واسطه او که نور جهان است، رسانده شده بود و هست. مسیح و مأموریت او از طریق قربانی‌های سایه‌گون، جز به طور مبهم درک نشده بود. حتی خود یحیی نیز می‌پنداشت که سلطنت مسیح در اورشلیم خواهد بود و او پادشاهی‌ای زمانی برپا خواهد کرد که رعایای آن مقدس خواهند بود.»
Review and Herald, April 8, 1873

رسول پولس نیز نبی حلقه پیوندی بود که می‌بایست کاربردهای نبوی گذار تحت‌اللفظی به سوی امر روحانی را شناسایی کند. او دریافت که اورشلیم تحت‌اللفظی دیگر اورشلیم نبوت نبود، زیرا در آن هنگام به اورشلیم آسمانی انتقال یافته بود.

زیرا این هاجر همان کوه سینا در عربستان است و با اورشلیم کنونی مطابق می‌باشد، که با فرزندان خود در بندگی است. اما اورشلیمی که در بالا است، آزاد است، و او مادر همه ماست.
غلاطیان ۴:۲۵، ۲۶

در فصل دوم دوم تسالونیکیان، که آن را بررسی کرده‌ایم، پولس تصریح کرد که روم بت‌پرست واقعی همان قدرتی بود که مانع می‌شد روم روحانی پاپی تا سال ۵۳۸ بر تخت سلطنت صعود کند. او در آن فصل مشخص می‌سازد که «مرد گناه» که در هیکل خدا نشسته است، همان «پادشاهی» بود که دانیال در فصل یازدهم، آیه سی‌وشش، معرفی کرده بود. برهان این که «پادشاه شمال» در شش آیه آخر دانیال ۱۱ همان دستگاه پاپی است، به کلید استقرار چارچوب حقیقتی بدل شد که «آینده برای آمریکا» از زمان افزایش معرفت در سال ۱۹۸۹ به کار گرفت.

در همان فصل، پولس کار روم بت‌پرست را در بازداشتن ظهور پاپیت مشخص ساخت، تا زمانی که روم بت‌پرست از میان برداشته شود؛ و بدین‌سان روشن کرد که «قربانی دائمی» در کتاب دانیال، روم بت‌پرست بود. آن حقیقت، همان کلید اصلی برای برپا داشتن چارچوب حقیقتی شد که در سال 1798 افزایش معرفت را پدید آورد.

در تاریخ ویلیام میلر، این پیام در زمانی اعلام شد که قرار بود گذار از جنبش فیلادلفیایی به جنبش لائودیکیه‌ای رخ دهد. در تاریخ Future for America، اکنون گذار از جنبشی لائودیکیه‌ای به سوی جنبش فیلادلفیایی در حال وقوع است.

حقیقتی که پولس در دوم تسالونیکیان بیان کرد و به وسیله آن گذار از روم بت‌پرست تحت‌اللفظی به روم پاپی روحانی شناسایی شد، چارچوب فهم نبوی میلر گردید. هم یحیی تعمیددهنده و هم پولس برای تبیین گذار از تحت‌اللفظی به روحانی برانگیخته شدند. ویلیام میلر به وسیله یحیی تعمیددهنده ممثل بود، و در کار او ضروری بود که رابطه و گذار روم بت‌پرست و روم پاپی را بازشناسد؛ همان گذاری که یحیا برای شناسایی آن برانگیخته شده بود.

در کتاب دانیال پنج اشاره به «قربانی دائمی» وجود دارد، و این اشاره‌ها همواره پیش از نمادی از قدرت پاپی می‌آیند. در زمینه انتقال نبوی‌ای که در نظر داریم، هر پنج اشاره انتقال از روم حقیقی به روم روحانی را دربر می‌گیرند. «قربانی دائمی» در کتاب دانیال یکی از حقایقی است که بر دو لوح حقوق به تصویر کشیده شده است، و از این‌رو حقیقتی بنیادی است که می‌بایست از آن دفاع شود؛

حقیقتی کہ سرانجام با جواهرات و سکہ‌های دروغین و تقلبی پوشانده می‌شد. تصادفی نیست کہ ہر حقیقتی کہ بر آن دو نمودار مقدس بہ تصویر کشیدہ شدہ، در نوشتہ‌های الن وایت تأییدات مستقیم الہامی دارد. رد کردن ہر یک از حقایق بنیادی (از جملہ «قربانی دائمی») بہ طور ہم‌زمان بہ معنای رد کردن اقتدار روح نبوت است.

vi, en relación con el "Continuo", que la palabra "sacrificio" fue añadida por la 1850» sabiduría humana, y no pertenece al texto; y que el Señor dio la comprensión correcta de ello a quienes proclamaron el clamor de la hora del juicio. Cuando existía unidad, antes de 1844, casi todos estaban unidos en la comprensión correcta del "Continuo"; pero desde 1844, en la confusión, se han adoptado otras interpretaciones, y han seguido tinieblas y confusión». Review and Herald, 1 de noviembre de 1850»

کسانی کہ «فریاد ساعتِ داوری» را اعلام کردند، «دائمی» را نمادی از بت‌پرستی، و/یا روم بت‌پرست می‌دانستند. فہم ایشان مشتمل بر این حقیقت نیز بود کہ دریافتہ بودند واژہ «قربانی» بہ آن بخش در دانیال تعلق ندارد، جایی کہ مترجمان کتاب مقدس کینگ جیمز آن را (بہ حکمتِ انسانی) افزودہ بودند. فہم پیشگامان ہمچنین شامل این نکته بود کہ «دائمی» ہموارہ در ارتباط با یکی از دو نمادِ قدرتِ پاپی ارائه می‌شد، و این کہ بت‌پرستی («دائمی») ہمیشہ بر نمادِ پاپی پیشی می‌گرفت. این‌ها ہموارہ در همان توالی‌ای شناسانہ می‌شدند کہ در آن بہ تاریخ نبوی وارد شدند. کتاب‌های دانیال و مکاشفہ ہرگز از توالی تاریخی تقدّم بت‌پرستی بر پاپ‌گرایی عدول نمی‌کنند، و ہنگامی کہ کتابِ مکاشفہ سومین قدرتِ ویرانگر، یعنی نبی کذاب، را معرفی می‌کند، آن توالی ہموارہ محفوظ می‌ماند.

بدون پولس کی اُس تعلیم کے کہ صلیب کے زمانہ دور میں نبوت کی لفظی چیزیں روحانی صورت میں منتقل ہو گئیں، مسیح کی یروشلم کی تباہی سے متعلق پیشین گوئی کے ساتھ—جو یوحنا کے سوا تمام اناجیل میں پائی جاتی ہے—ایک معمہ پیدا ہو جاتا ہے۔ دانی ایل کی کتاب میں "روزانہ" کے ساتھ مربوط پائائیت کی دو علامتیں "ویرانی کی مکروہ چیز" اور "ویرانی کی سرکشی" ہیں۔ یہ دونوں علامتیں حیوان کے نشان (مکروہ چیز) اور حیوان کی شبیہ (سرکشی) کی نمائندگی کرتی ہیں۔

آن تجاوزی کہ بہ پاپیتِ اجازہ می‌دہد کسانی را کہ بدعت‌گذار می‌شمارد بہ قتل رساند، همانا ترکیب کلیسا و دولت است، با این وصف کہ کلیسا بر این رابطہ مسلط باشد۔ از این رو، دانیال این ترکیب کلیسا و دولت را، کہ تمثال وحش پاپی است، بہ عنوان «تجاوز ویرانگر» بازنمایی می‌کند۔ کتاب مقدس بت‌پرستی را «رجاست» می‌شناسد، و تمامی بت‌پرستی قدرتِ پاپی با سببِ بت‌گونه آن نمودار می‌شود؛ همان کہ یوحنا آن را «نشان وحش» می‌خواند، و دانیال آن را «رجاست ویرانگر» می‌نامد۔

اور اُن میں سے ایک میں سے ایک چھوٹا سا سینگ نکلا، جو نہایت بڑا ہو گیا، جنوب کی طرف، اور مشرق کی طرف، اور اُس خوشنما ملک کی طرف۔ اور وہ بڑھتے بڑھتے آسمان کے لشکر تک جا پہنچا؛ اور اُس نے اُس لشکر میں سے بعض کو اور ستاروں میں سے بعض کو زمین پر گرا دیا، اور انہیں پاؤں تلے روند ڈالا۔ بلکہ اُس نے اپنے آپ کو لشکر کے سردار تک بڑا ٹھہرایا، اور اُس کے سبب سے دائمی قربانی موقوف کر دی گئی، اور اُس کے مقدس کی جگہ گرا دی گئی۔ اور سرکشی کے سبب سے دائمی قربانی کے خلاف ایک لشکر اُس کے حوالے کر دیا گیا، اور اُس نے سچائی کو زمین پر پٹک دیا؛ اور وہ عمل کرتا رہا، اور کامیاب ہوا۔ دانی ایل 9:8-12۔

ما این آیات را در مقالہ‌ای دیگر با تفصیل بیشتری بررسی خواہیم کرد، اما در آیہ یازدہم، قدرتی کہ خود را بر ضد مسیح بزرگ ساخت، روم بت‌پرست بود، آنگاہ کہ در بدو تولد او کوشیدند او را بکشند و سرانجام این کار را بر صلیب انجام دادند۔ آیہ بیان می‌دارد کہ «بہ‌وسیله او» (روم بت‌پرست)، «قربانی دائمی برداشتہ شد»۔ واژہ عبری کہ بہ «برداشتہ شد» ترجمہ شدہ، «rum» است، و معنای آن

«برافراشتن و متعال ساختن» است. روم بت پرست دین بت پرستی را برافراشته و متعال می ساخت، و در تاریخ نیز دقیقاً همین کار را انجام داد. از همین روست که آنان را «روم بت پرست» می نامند.

آیه بعدی مشخص می سازد که به روم پاپی «لشکری» (قدرت نظامی) داده شد که بر ضد، یا برای غلبه بر «قربانی دائمی» (بت پرستی) بود. این نیز حقیقتی تاریخی است، زیرا پاپیت برای از میان برداشتن مانعی که بر سر راه عروجش به قدرت نهاده شده بود، از نیروی نظامی بهره برد (هرچند هرگز سپاه مستقل خود را نداشته است). آن قدرت از روم بت پرست سرچشمه گرفت. نیروی نظامی ای که او به کار گرفت، از طریق «تعدی» به او داده شد؛ زیرا تعدی ای که به او امکان داد ارتش های پادشاهانی را که در سال ۵۳۸ او را بر تخت نشاندند تحت کنترل درآورد، تعدی ناشی از پیوند کلیسا و دولت بود. نخست، در آیه یازدهم به روم بت پرست پرداخته می شود و به دانشجو اعلام می گردد که روم بت پرست بر ضد مسیح برخاست و دین بت پرستی را exalt خواهد کرد.

آیه بعدی، تعدی حاصل از ترکیب کلیسا و دولت را توصیف می کند؛ همان ترکیبی که به پاپیت اجازه داد بر مانعی که روم مشرک در برابر او اعمال کرده بود غلبه کند و آن را از میان بردارد. تاریخ، کاریست هر دوی آن آیات را تأیید می کند. «مداوم» یا نمایانگر روم مشرک است، یعنی قدرتی که در برابر مسیح ایستاد، یا دین شرک که به وسیله روم مشرک برکشیده شد. سپس نماد «مداوم» یا پاپیت دنبال می شود، زیرا آن تعدی کلیسا و دولت را مشخص می سازد که همان چیزی است که پاپیت را با لشکری توان می بخشد تا کارهای ناپاک خویش را انجام دهد. سومین کاربرد «مداوم» در کتاب دانیال، همان پرسشی است که پاسخی را پدید می آورد که ستون مرکزی ادونتیسیم است.

سپس شنیدیم که قدوسی سخن می گفت؛ و قدوسی دیگر به آن قدوسی که سخن می گفت، گفت:
«این رؤیا درباره قربانی دائمی و عصیان ویرانگر، که هم مقدس و هم لشکر را به پایمال شدن می سپارد، تا به کی خواهد بود؟» دانیال ۸:۱۳

در این آیه این پرسش مطرح می شود که رؤیا تا چه مدت خواهد بود؛ از این رو، در پی پاسخی است که بیانگر یک مدت زمان باشد، نه یک مقطع زمانی معین. پرسش این نیست که رؤیا در چه تاریخی تحقق خواهد یافت، بلکه این است که مدت رؤیا چه اندازه است. آیه نمی پرسد: «کی؟» بلکه می پرسد: «تا چه مدت؟» رؤیا درباره قدرت های ویرانگر بت پرستی است که به صورت «قربانی دائمی» نمایانده شده است، و نیز پاپ گرایی که به وسیله تعدی پاپیت نمایانده شده است؛ تعدی ای که هنگامی به انجام می رسد که او با پادشاهان زمین زنا می کند. این دو قدرت ویرانگر، یعنی بت پرستی و سپس پاپ گرایی، می بایست به مدت «هفت زمان» قدس و لشکر را پایمال کنند.

مهم است که دریابیم پایمال شدن قدسیگاه تحت اللفظی، که از زمان بابل آغاز شد و تا ویرانی اورشلیم به دست روم بت پرست در سال ۷۰ میلادی ادامه یافت، از آغاز این تاریخ تا پایان آن به وسیله قدرت های بت پرست انجام شد. از این رو، این بت پرستی تحت اللفظی به صورت جمع بود که قدسیگاه تحت اللفظی و لشکر تحت اللفظی، یعنی قوم خدا، را پایمال کرد. اما این روم روحانی بود که اورشلیم روحانی و اسرائیل روحانی را پایمال ساخت.

لیکن جو صحن بیکل کے باہرے، اسے چھوڑ دے اور اسے نہ ناپ؛ کیونکہ وہ غیر قوموں کو دے دیا گیا ہے، اور وہ مقدس شہر کو بیالیس مہینے تک پامال کریں گے۔ اور میں اپنے دو گواہوں کو اختیار دوں گا، اور وہ ٹاٹ اوڑھے ہوئے ایک ہزار دو سو ساٹھ دن تک نبوت کریں گے۔ مکاشفہ 11:2، 3.

یوحنا تعمید دہندہ پیامبری حلقہ پیوند بود که، بی آنکه از تمامیت مأموریت خویش آگاه باشد، تغییر دوره را از قدس زمینی به قدس آسمانی مشخص ساخت. پولس پیامبری حلقه پیوند بود که تغییر دوره را از اسرائیل ظاهری (میزبان) به اسرائیل روحانی مشخص کرد. اورشلیمی که به مدت چهل و دو

ماہ پایمال شد، اورشلیم روحانی بود۔

”وہ ادوار جن کا یہاں ذکر ہوا ہے—”بیالیس مہینے“، اور ’ایک ہزار دو سو ساٹھ دن‘—ایک ہی ہیں، اور یکساں طور پر اُس وقت کی نمائندگی کرتے ہیں جس میں مسیح کی کلیسیا کو روم کی جانب سے ظلم و ستم برداشت کرنا تھا۔ پاپائی بالادستی کے 1260 سال 538ء میں شروع ہوئے، اور لہذا 1798ء میں ختم ہونا تھے۔ اُس وقت ایک فرانسیسی فوج روم میں داخل ہوئی اور پوپ کو قیدی بنا لیا، اور وہ جلاوطنی میں مر گیا۔ اگرچہ کچھ ہی عرصہ بعد ایک نیا پوپ منتخب کر لیا گیا، تاہم اُس کے بعد سے پاپائی نظام مراتب کبھی بھی اُس قدرت کو استعمال کرنے کے قابل نہ ہو سکا جو اسے پہلے حاصل تھی۔“ The Great Controversy, 266.

پولس نشان داد کہ در آن گذار واقع شدہ در تاریخ صلیب، اورشلیم روحانی کہ «در بالا» است، شہری شد کہ خدا برگزید تا نام خود را در آن قرار دہد، و اورشلیم لفظی دیگر اورشلیم نبوت کتاب مقدس نبود۔

زیرا این ہاجر همان کوه سینا در عربستان است و با اورشلیم کنونی مطابق است، و با فرزندان خود در بندگی به سر می برد۔ اما اورشلیمی کہ بالاست آزاد است، و او مادر همه ماست۔ غلاطیان ۲۶، ۴:۲۵

این حقیقت برای آن کہ بہ درستی فہمیدہ شود، اساسی است، و بہ کارگیری نادرست اورشلیم تحت اللفظی بہ عنوان نماد نبوت کتاب مقدس، بخشی از فریبی است کہ یسوعیان برای تضعیف این حقیقت پدید آوردند کہ پاپ روم همان ضد مسیح است۔ آن تعلیم باطل، در درون پروتستانیسم مرتد، باوری پدید می آورد کہ بہ آنان امکان می دہد بہ اشتباہ بہ ملت یہودی معاصر اسرائیل بہ عنوان نمادی از نبوت بنگرند۔ اورشلیم تحت اللفظی در زمان صلیب از آن کہ اورشلیم خدا باشد، باز ایستاد۔

»شہر اورشلیم دیگر مکانی مقدس نیست۔ لعنت خدا بہ سبب رد کردن و مصلوب ساختن مسیح بر آن قرار دارد۔ لکہ ای تاریک از تقصیر بر آن باقی است، و ہرگز دیگر مکانی مقدس نخواہد بود تا زمانی کہ بہ آتش های تطہیرکنندہ آسمان پاک گردد۔ در زمانی کہ این زمین ملعون بہ گناہ از ہر اثر گناہ پاک شود، مسیح بار دیگر بر کوه زیتون خواہد ایستاد۔ ہنگامی کہ پاہای او بر آن قرار گیرد، از ہم شکافتہ خواہد شد و بہ ہامونی بزرگ بدل خواہد گشت، آمادہ برای شہر خدا۔«
Review and Herald, July 30, 1901

اصل اور روحانی یروشلم کے درمیان امتیاز کی معنویت اُس وقت زیر بحث آئے گی جب ہم دُنیا کے خاتمہ سے متعلق مسیح کی نبوت پر غور کریں گے۔ دانی ایل چوتھی بار ”روزانہ“ کا ذکر گیارھویں باب میں کرتا ہے۔

و بازوان از جانب او برپا خواهند شد، و حرم قوت را نجس خواهند ساخت، و قربانی دائمی را برخوانند داشت، و رجاستی را کہ ویرانی می آورد، برپا خواهند کرد۔ دانیال 11:31.

این آیہ بہ کار روم بت پرست در نشانندن پاپیت بر تخت زمین در سال ۵۳۸ اشارہ می کند۔ «بازوہا» نمایانگر قدرت نظامی روم بت پرست ہستند کہ از سال ۴۹۶، با کلوویس، پادشاہ فرانک ہا، بہ حمایت از پاپیت برخاستند۔ پادشاہان گوناگون اروپایی پس از کلوویس برای استقرار پاپیت عمل کردند، اما این آیہ بہ چہار کاری اشارہ می کند کہ پادشاہان اروپایی (بازوہا) برای پاپیت انجام دادند، پس از آن کہ با برپایی اتحادی میان کلیسا و دولت با فاحشہ صور، تجاوز ورزیدند۔

ہنگامی کہ آنان از پاپیت پشتیبانی کردند، شہر روم را کہ نماد قوت ہم روم بت پرست و ہم روم پاپی بود، «آلودہ» یا ویران ساختند۔ آلودگی مذکور در این آیہ در طی سالیان مکرراً تحقق یافت، زیرا شہر روم پیوستہ در معرض حملات نظامی قرار گرفت۔ آن پادشاہان اروپایی (بازوان) ہمچنین «قربانی

دائمی» را «برخواهند داشت». واژه عبری ترجمه شده به «برداشتن» در این آیه، «روم» نیست، چنان که در باب هشتم بود. در این آیه، واژه‌ای که به «برداشتن» ترجمه شده، «سور» است، و معنای آن «برطرف کردن» یا «از میان برداشتن» است. بازوان پادشاهان اروپایی مقاومت بت‌پرستانه در برابر برآمدن پاپیت را در سال ۵۰۸ برطرف کردند. سپس در سال ۵۳۸، همان بازوان، پاپیت را بر تخت زمین نشانند. آنگاه در شورای اورلئان، در همان سال، پاپیت قانونی برای یکشنبه به اجرا گذاشت.

یکشنبه به عنوان روز عبادت همان سبت «بت» است که خواهر وایت آن را چنین می‌نامد، و بت‌پرستی کامل‌ترین تعریف کتاب مقدسی واژه «رجاست» است. در سال ۵۳۸، بازوان روم مشرک آن رجاست ویرانگر را برقرار ساختند.

«همه کسانی که سبت بت‌گونه را، یعنی روزی را که خدا آن را برکت نداده است، تعظیم کرده و پرستش می‌کنند، با تمام توان قابلیت خداداد خویش—که آن را به مصرفی نادرست منحرف ساخته‌اند—به ابلیس و فرشتگان او یاری می‌رسانند. آنان که از روحی دیگر الهام می‌گیرند، روحی که قوه تمیزشان را کور می‌سازد، نمی‌توانند ببینند که برکشیدن روز یکشنبه سراسر نهادی است از سوی کلیسای کاتولیک.» Selected Messages, book 3, 423.

نبوت و تاریخ از کاربردی که اکنون برای آیه سی‌ویک شناسایی کرده‌ایم پشتیبانی می‌کنند. هنگامی که می‌گوییم نبوت این کاربرد را تأیید می‌کند، مقصودمان این است که نبوت‌های دیگری نیز وجود دارند که به همین واقعیات می‌پردازند، بی‌آنکه در این زمان آن‌ها را وارد بحث کنیم. پنجمین و آخرین باری که دانیال از «قربانی دائمی» استفاده می‌کند، در باب دوازدهم یافت می‌شود.

اور اُس وقت سے جب دائمی قربانی موقوف کر دی جائے گی اور وہ مکروہ چیز جو ویرانی پیدا کرتی ہے قائم کی جائے گی، ایک ہزار دو سو نوے دن ہوں گے۔ مبارک ہے وہ جو انتظار کرتا ہے اور ایک ہزار تین سو پینتیس دنوں تک پہنچتا ہے۔ دانی ایل 12:11، 12.

نبوت و تاریخ دونوں اس بات کی تائید کرتے ہیں کہ سنہ 508 میں پاپائیت کے عروج کے خلاف مزاحمت عملاً ختم ہو گئی، جب تین جغرافیائی رکاوٹوں میں سے آخری رکاوٹ (گوتھ)، جیسا کہ دانی ایل باب سات میں بیان کیا گیا ہے، جڑ سے اکھاڑ دی گئی۔

من به شاخ‌ها می‌نگریستم، و اینک در میان آن‌ها شاخ کوچک دیگری برآمد، که پیش روی آن سه شاخ از شاخ‌های نخستین از بیخ برکنده شد؛ و اینک در آن شاخ چشمانی همچون چشمان انسان بود، و دهانی که سخنان بزرگ می‌گفت. دانیال 7:8.

آن سه شاخی که برکنده شدند، بر دو لوح مقدس به تصویر کشیده شده‌اند؛ و هنگامی که سومین آن سه مانع جغرافیایی در سال ۵۰۸ از شهر روم رانده شد، مقاومت در برابر برآمدن قدرت پاپی از میان برداشته شد. برپا شدن مذکور در آیه یازدهم، نمایانگر سی سال میان ۵۰۸ و ۵۳۸ است. این، سی سالی را مشخص می‌سازد که در آن، تدارک برپایی مرد گناه در هیکل خدا به انجام رسید.

لفظی که به «برداشته شود» ترجمه شده است، همچنین «sur» است، که به معنای برداشتن است، و در سال ۵۰۸، مقاومت در برابر برآمدن پاپیت برداشته شد. از آن تاریخ، هزار و دویست و نود سال شما را به ۱۷۹۸، و زخم مهلک پاپیت، می‌رساند. هزار و سیصد و سی و پنج روز شما را به نخستین نومی‌دی، و آغاز زمان تأخیر در واپسین بخش سال ۱۸۴۳، می‌رساند. این آیه وعده برکتی را به کسانی می‌دهد که به ۱۸۴۳ «می‌رسند». واژه «می‌رسد» به معنای لمس کردن است. نخستین روز ۱۸۴۴، نشانه نخستین نومی‌دی است، اما آخرین روز ۱۸۴۳، نخستین لحظه ۱۸۴۴ را لمس می‌کند. آخرین روز یک سال، نخستین روز سال پس از آن را لمس می‌کند. برکتی که با آن تاریخ پیوند دارد، به وسیله تاریخ و نبوت تأیید می‌شود.

ما در مقاله بعدی به بررسی اهمیت «قربانی دائمی» به عنوان حقیقتی بنیادین ادامه خواهیم داد.

«همه پیام‌هایی که از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ داده شده‌اند، اکنون باید با قوت مطرح شوند، زیرا بسیاری از مردم جهت‌یابی خود را از دست داده‌اند. این پیام‌ها باید به همه کلیساها برسند.

«مسیح فرمود: "خوشا به حال چشمان شما، زیرا می‌بینند؛ و گوش‌های شما، زیرا می‌شنوند. زیرا هرآینه به شما می‌گویم که بسیاری از انبیا و مردان عادل آرزو داشتند آنچه را شما می‌بینید ببینند، و ندیدند؛ و آنچه را شما می‌شنوید بشنوند، و نشنیدند" [متی ۱۳: ۱۶، ۱۷]. خوشا به حال چشمانی که آن چیزهایی را دیدند که در سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ دیده شد.»

"پیام داده شد. و در تکرار این پیام نباید هیچ تأخیری باشد، زیرا نشانه‌های زمان در حال تحقق یافتن است؛ کار پایانی باید انجام شود. کاری عظیم در زمانی کوتاه انجام خواهد گرفت. به زودی، به تعیین خدا، پیامی داده خواهد شد که به فریادی بلند فزونی خواهد یافت. آنگاه دانیال در نصیب خود خواهد ایستاد تا شهادت خویش را ادا کند." Manuscript Releases, جلد 21، 437.